

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال هشتم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴ (صص ۲۶-۶۰)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/jmzf.2026.549701.1253](https://doi.org/10.22034/jmzf.2026.549701.1253)

## بینامتنیت نامه‌های جلال آل احمد و سیمین دانشور و آثار داستانی این دو

نویسنده

حمیده ستایش اردکانی<sup>۱</sup>، بهادر باقری<sup>۲</sup>، حسین بیات<sup>۳</sup>

### چکیده

بینامتنیت در نگاه نظریه‌های جدید، متن را پدیده‌ای مستقل نمی‌داند و آن را در پیوندی مداوم با دیگر متون می‌بیند. هر اثر ادبی در شبکه‌ای از معنا، باور و تجربه شکل می‌گیرد و ردّ متون پیشین و هم‌زمان در آن حضور دارد. بینامتنیت این نکته را برجسته می‌سازد که یک متن چگونه از ظرفیت متون دیگر بهره می‌گیرد و آن‌ها را در ساخت معنای تازه بازآفرینی می‌نماید. با توجه به این مهم، جستار حاضر بر آن است تا از نظرگاه بینامتنیت، سویه‌های گوناگون تأثیر نامه‌هایی را که جلال آل احمد و سیمین دانشور به عنوان زوج نویسندگان معاصر با زبانی ساده و در سبک یادداشت‌های روزمره نوشته‌اند به عنوان متن اول و برخی از آثار منتخب آن دو را به عنوان متن دوم بررسی و وجوه مشترک آن‌ها را با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی، تاریخی، سیاسی و روابط شخصی تحلیل نماید. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل بینامتنی و با روش مطالعه تطبیقی متن مبدأ (نامه‌ها) و متن مقصد (آثار ادبی منتخب) انجام شده است. هدف، آن است که آشکار سازد بسیاری از مضامین مطرح شده در نامه‌های آن دو، در قالب‌ها و شکل‌های مختلفی از عناصر اصلی داستان بازآفرینی شده‌اند؛ از جمله: حوادث داستانی، صحنه‌پردازی، خلق شخصیت‌ها و گفتگوهای آن‌ها، اظهار نظر راوی و غیره.

**واژه‌های کلیدی:** بینامتنیت، سیمین دانشور، جلال آل احمد، نامه، داستان.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. [h.setayesh20@gmail.com](mailto:h.setayesh20@gmail.com)

<sup>۲</sup> - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

[b.bagheri@khu.ac.ir](mailto:b.bagheri@khu.ac.ir)

<sup>۳</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

[h. bayat@khu.ac.ir](mailto:h.bayat@khu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

ادبیات و جامعه دارای پیوندی ناگسستنی است و بازتاب مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره در آثار ادبی می‌تواند از نشانه‌های این ارتباط عمیق باشد. در واقع، آثار ادبی محصول اندیشهٔ افرادی است که در بستر رویدادهای اجتماعی قرار می‌گیرند و از زاویهٔ دید خود مسائل اجتماعی را بازگو می‌کنند. در ادبیات ایران نیز، در کنار تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، خلق آثار ادبی از این تأثیرات بی‌بهره نبوده و مفاهیمی همچون آزادی، زن، وطن‌گرایی، آموزش و پرورش و ... به ادبیات راه پیدا کرده‌است.

پژوهش حاضر، با تحلیل محتوای نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل‌احمد و با تکیه بر قراین موجود، به تشریح حضور این نویسندگان در آثارشان می‌پردازد که به شکلی مداخله‌گر و برآمده از نگرششان به جامعه، رسالت خود را انجام می‌دهند. آن‌ها برای بازگویی شرایط اجتماعی و اهمیت دادن به هر یک از موضوعات آن دوره، از نشانه‌های درون‌متنی در نامه‌هایشان به شکلی هم‌سو استفاده کرده‌اند. پرتکرارترین موضوعات و مؤلفه‌هایی که از آغاز تا انجام آثار ادبی و غیرادبی هر دو نویسنده را در برمی‌گیرد شامل: ۱. مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی ۲. مؤلفه‌های سیاسی ۳. مؤلفه‌های تاریخی و ۴. مؤلفهٔ بازتاب زندگی شخصی آنان است که از زمان نامه‌ها شروع می‌شود و تا پایان عمر جلال و سیمین در بقیهٔ آثارشان تداوم می‌یابد. این پژوهش براساس نظریهٔ کل‌نگر بینامتنیت (Intertextuality) از دیدگاه ژولیا کریستوا (Julia Kristeva) و نظریهٔ فرونگر ترامتنیت (Trnastextuality) از دیدگاه ژرار ژنت (Gerard Genette) (به بررسی رابطهٔ بینامتنی نامه‌های جلال آل‌احمد و سیمین دانشور و آثار ادبی آنان می‌پردازد.

با توجه به نکات بیان شده، بررسی نامه‌های جلال و سیمین از منظر بینامتنیت اهمیت می‌یابد. زیرا این متون خصوصی‌ترین لایه‌های تجربهٔ زیستهٔ آنان را آشکار

می‌سازد که در آثار ادبی‌شان بازتاب دارد. تحلیل تطبیقی آثار به همراه نامه‌های این دو نویسنده، می‌تواند آشکار سازد که چگونه مضامین و تجربه‌های ثبت شده در نوشتار روزمره، در شکل‌گیری عناصر داستانی و جهان‌بینی ادبی آنان نقش داشته است. بدین جهت، پرداختن به نسبت میان نامه‌ها و آثار ادبی، گامی ضروری برای فهم دقیق‌تر فرایند آفرینش ادبی و پیوند میان زندگی شخصی و نوشتار ادبی‌شان به شمار می‌آید.

### ۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

بسیاری از زوج‌های نویسندگان، شاعر، هنرمند یا شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان، در طول زندگی مشترکشان، از نامه به عنوان وسیله‌ای ارتباطی و همچنین مجالی برای ابراز عقیده و دیدگاه‌های شخصی و گاه درد دل‌های محرمانه خود بهره برده‌اند. جلال آل احمد و سیمین دانشور هم از زوج‌نویسندگان نامی و موفق داستان‌های کوتاه در ایران هستند که دوران فراق را به فرصتی برای نگارش نامه تبدیل کرده‌اند تا علاوه بر بیان بی‌تکلف و آزاد احساس دل‌تنگی و درد دل‌های عاشقانه و فردی، موضوعات قابل توجه اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی و ... را راحت و بدون دغدغه و سانسور بیان کنند. آثار آنان، آینه تمام‌نمای تفکر و اندیشه مردم جامعه است. زبان ساده و صمیمانه آن‌ها، به بیان دقیق موضوعات اجتماعی و فرهنگی و بازتاب واقعیت‌های جامعه کمک می‌کند. در حقیقت، آنان با استفاده از مکالمات واقعی و توصیفات ساده، خواننده را در سطح عمیقی از متن قرار داده و یک تداعی عاطفی میان خود و خواننده خلق نموده‌اند و از این تکنیک در داستان‌هایشان هم استفاده کرده‌اند. انعکاس بسیاری از دیدگاه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، ناکامی‌ها و در بسیاری از موارد، بیان برتری شرق نسبت به غرب از نظر ارزش‌های انسانی و اخلاقی، بخشی از نتایجی است که می‌توان از مطالعه نامه‌ها به دست آورد. اندیشه‌ها و دغدغه‌های دانشور و آل احمد که در نامه‌ها مطرح شده، در

آثار داستانی آن‌ها، در قالب شخصیت‌ها و وقایع داستانی، همراه با تخیل و تعلیق داستانی، بازتاب یافته‌است. سیمین از طریق مفاهیم و عناصر اسطوره‌ای و پرداختن به جایگاه از دست رفته زن و جلال از طریق به چالش کشیدن مسائل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، به خلق آثار داستانی‌شان پرداخته‌اند.

با وجود اهمیت این نامه‌ها در شناخت جهان فکری و ادبی این دو نویسنده، نسبت میان نوشتار خصوصی و نوشتار ادبی آن دو کمتر به صورت نظام‌مند و با رویکرد بینامتنی بررسی شده است. در حالی که مطالعه تطبیقی نامه‌ها و آثار ادبی می‌تواند نشان دهد چگونه مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی ابعاد زندگی شخصی مطرح شده در نامه‌ها، در قالب شخصیت‌ها، حوادث، صحنه پردازی‌ها و داوری‌های روایی در آثار داستانی بازآفرینی شده است. در این دیدگاه، تحلیل روابط بینامتنی میان نامه‌ها و آثار ادبی جلال و سیمین ضرورتی پژوهشی دارد و می‌تواند تصویری روشن‌تر از فرایند شکل‌گیری جهان ادبی آنان ارائه نماید. با توجه به این مهم، سؤال اصلی پژوهش کنونی را می‌توان این‌گونه مطرح نمود که مضامین، نگرش‌ها و تجربه‌های مطرح‌شده در نامه‌های جلال آل‌احمد و سیمین دانشور چگونه در آثار ادبی آنان بازتاب یافته و در شکل‌گیری عناصر داستانی و جهان‌بینی ادبی‌شان نقش داشته است؟

## ۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

مطالعه حاضر به دنبال آن است که ساز و کارهای پیوند میان نوشتار خصوصی جلال آل‌احمد و سیمین دانشور و جهان داستانی آنان را نمایان سازد. هدف اصلی، تحلیل این مورد است که چگونه تجربه‌های زیسته، حساسیت‌های فکری و برداشت‌های اجتماعی که در نامه‌های ثبت شده در ساختار روایی و عناصر داستانی آثارشان

دگرگون و بازآفرینی شده است. این ارزیابی امکان می‌دهد تا نقش نامه‌ها در شکل‌گیری شیوهٔ روایت، نوع نگاه به جامعه، انتخاب مضامین و جهت‌گیری فکری هر دو نویسنده روشن شود و الگوی تعامل میان زندگی شخصی و آفرینش ادبی آنان بازشناسی گردد.

ضرورت انجام پژوهش پیش‌رو از آن جاست که نامه‌های این دو نویسنده، به عنوان اسناد شخصی و کمتر تحلیل شده، لایه‌هایی از فرایند اندیشیدن و نوشتن را نشان می‌دهند که در آثار ادبی به صورت غیر مستقیم و هنری نمود یافته است. مطالعهٔ بینامتنی این دو حوزه، امکان فهم دقیق‌تر از چگونگی تبدیل تجربه به روایت و تبدیل نگاه فردی به جهان‌بینی ادبی را فراهم می‌سازد و خلاء موجود در پژوهش‌های پیشین دربارهٔ نسبت میان زندگی شخصی و تولید ادبی این دو چهره اثرگذار را بر طرف می‌سازد.

### ۱-۳. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد، کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی منتشر شده‌است. تحلیل‌های متفاوتی از آثار هر دو نویسنده از جنبه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، زبان‌شناسی و گفتمان انتقادی و غیره صورت گرفته است. اما در زمینهٔ نامه‌های این زوج نویسنده، به غیر از کتاب *نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل‌احمد* (۱۳۹۸) که گردآوری و تدوین آن به کوشش مسعود جعفری جزی صورت گرفته است و در مورد نامه‌های جلال آل‌احمد در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ به سیمین دانشور است و نیز کتاب *نامه‌های جلال آل‌احمد* (۱۳۶۴) که شامل نامه‌های جلال به روشن‌فکران و اصحاب قلم آن زمان است، به کوشش علی دهباشی که در انتشارات پیک منتشر شده‌است، پژوهش مدونی که به رابطهٔ بینامتنیت بین نامه‌ها و آثار این دو نویسنده پرداخته باشد، انجام نشده‌است. بر کسی پوشیده نیست

که نبود چنین مطالعه‌ای، باعث شده پیوند میان تجربه‌های ثبت‌شده در نوشتار شخصی و ساختارهای روایی آثارشان روشن نشود و بخش مهمی از ساز و کارهای شکل‌گیری جهان ادبی آنان همچنان ناشناخته باقی بماند.

## ۲. بحث و یافته‌های تحقیق

از آنجاکه پایه و اساس نظریه‌های مربوط به بینامتنیت در پی پژوهش در آراء باختین در مورد گفتگومندی متن شکل گرفت، می‌توان این مفهوم را قائل شد که: تمام متون، تشکیل شده از صداها و گفتگوهایی است که پیش از این وجود داشته‌است و هم اکنون نیز وجود دارد. این صداها و گفتگوها ممکن است در آثار بعدی نیز به گوش برسد. ژولیا کرسیتوا برای اولین بار در سال ۱۹۶۰ اصطلاح «بینامتنیت» را برای تحلیل آثار و متن‌های گوناگون به کار برد و بینامتنیت را از عناصر تشکیل دهنده متن دانست. از نظر او «ساختار هر متنی همچون موزاییک‌هایی است که شامل نقل قول‌ها و گزینش‌هاست و هر متن در متن دیگر حلول می‌کند» (kristeva.1980:66). بنابراین گفتگوها و روابطی که میان متون مختلف دیده می‌شود، قطعاً برابندی از ایدئولوژی و بافت موقعیتی است که خالق اثر به آن وابسته و در آن حضور داشته است. پس بینامتنیت یعنی هر متن، ناگزیر به تأثیر پذیرفتن از متون دیگر است؛ هرچند این ادعا، اصالت اندیشه‌ورزی هنرمند را زیر سؤال ببرد.

در سال ۱۹۸۲ میلادی، ژرار ژنت با بیان نظریه کل‌گرتری نسبت به کریستوا، به تکمیل عقیده وی پرداخت. او با ترویج اصطلاح «ترامتنیت» گستره بهتری از این نظریه را نشان داد. او به رابطه‌ای قائل بود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم و آشکارا و پنهان در بین متون، چه علمی و چه ادبی وجود داشت. وی ترامتنیت را به ۵ دسته تقسیم کرد: ۱. بینامتنیت ۲. سرمتنیت ۳. پیرامتنیت ۴. فرامتنیت ۵. پیش‌متنیت.

همان‌طور که از اصطلاح (سرمتنیت) پیداست، در رابطه طولی میان یک اثر با آثار دیگر، «عنوان» یا «سرعنوان» می‌تواند به‌گزینه‌اش اثر از بین سایر آثار کمک کند. به عبارت دیگر، وقتی اثری در ژانر ویژه‌ای قرار می‌گیرد، برگزیدن نام مناسب برای آن اثر، به نوعی معرفی‌نامه‌ای بر آن اثر است. این معرفی می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، شناسنامه اثر هنرمند یا نویسنده باشد.

اغلب متن‌ها در هاله‌ای از متون دیگر قرار دارند که برای شناخت و درک متن اصلی لازم و ضروری هستند مثل مقدمه، پی‌نوشت، پاورقی و غیره. در حقیقت «پیرامتن‌ها همچون آستانه متن هستند، یعنی برای ورود به جهان متن همواره باید از ورودی‌ها و آستانه‌هایی گذر کرد. این آستانه‌ها همان پیرامتن‌ها هستند» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۰).

اگر بخواهیم فراتر از متن حرکت کنیم، باید به تأویل و تفسیر آن متن پردازیم. شاید بتوان «نقد» اثر هنری یا ادبی یا علمی را «فرامتن» بنامیم. اغلب متن‌هایی که ماهیت فرامتنی دارند در حیطه نقد ادبی هویت می‌یابند. معترض یا منتقدی که با مطالعه برخی آثار، دست به تحلیل و تبیین آن اثر می‌زند، در حقیقت فعالیتی فرامتنی انجام داده است.

بینامتنیت به رابطه عرضی متون با یکدیگر و حضور یک متن در متن دیگر اختصاص می‌یابد. در مقابل، پیش‌متنیت همان‌طور که از نامش پیداست به رابطه طولی یک متن در متن دیگر می‌انجامد. یعنی تأثیری که یک متن بر متن بعد از خود می‌گذارد. بیش‌متن هم به نوعی برگرفته از پیش‌متن است؛ یعنی بیش‌متن از طریق پیش‌متن و با تکیه بر آن خلق می‌شود. این برگرفتنی از متن پیشین به دو صورت قابل رؤیت است: یکی به صورت تقلید و شبیه بودن به متن پیش از خود و دیگری به واسطه دگرگونی و تغییری که در ظاهر متن داده شده است.

پژوهش پیش‌رو به دنبال گستره‌ای از «بینامتنیت» هاست. زیرا با مطالعه آثار هر دو نویسنده، تقریباً تمام مؤلفه‌های بینامتنی در کتاب‌ها و نامه‌های سیمین و جلال قابل مشاهده است. در همین راستا، روشن شدن روابط بینامتنی می‌تواند امکان رمزگشایی برخی لایه‌های ترامنتیتی را نیز فراهم سازد. هرچند تحلیل ترامنتیت در حوزه مطالعه کنونی قرار ندارد، اما پیوند طبیعی میان این دو سطح، اقتضای توجه به آن را یادآور می‌شود.

## ۲-۱. بررسی نامه‌ها و آثار سیمین دانشور براساس مؤلفه‌های مورد نظر

### ۲-۱-۱. تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی

متون ادبی سیمین دانشور و جلال آل‌احمد در بستری شکل گرفته‌اند که مسائل فرهنگی و اجتماعی ایران معاصر در آن حضوری پررنگ دارد و بخش مهمی از جهان داستانی آنان را سامان می‌بخشد. نامه‌های این دو نویسنده نیز همین حساسیت‌ها را در سطحی بی‌واسطه‌تر و شخصی‌تر بازتاب می‌دهند و امکان مشاهده مستقیم دغدغه‌های اجتماعی آنان را فراهم می‌سازند. مقایسه این دو حوزه، منعکس‌کننده این مدعاست که بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی طرح‌شده در نامه‌ها، در آثار داستانی آنان به صورت ساخت‌یافته‌تر و هنری بازآفرینی شده است. بر این اساس، بررسی این مؤلفه‌ها می‌تواند سازوکارهای شکل‌گیری نگاه اجتماعی این دو نویسنده را روشن‌تر سازد. از جمله این مؤلفه‌ها را می‌توان در چارچوب ساختاریافته زیر به تفصیل دریافت.

### جایگاه زن ایرانی: یکی از برجسته‌ترین مفاهیمی که سیمین هم در نامه‌ها و

هم در آثار بعدی خود به آن پرداخته است، جایگاه زن ایرانی، چه در جوامع غربی و چه در ایران است. این مفهوم اجتماعی قبل از نوشتن نامه‌ها و پس از آن در آثار بعدی او، یکی از دل‌مشغولی‌های سیمین است. در نامه‌ای به جلال می‌نویسد: «باور

کن اینجا آبروی ملتی در میان است و من نباید به فکر خودم باشم. باید به فکر ملتی باشم که نماینده و نمونه زنان آن هستم» (جفری جزی، ۱۳۹۸/۱: ۷۰). او زن شرقی و تفکرات اجتماعی شرقی را با انتقاد از غرب برجسته و عشق‌ورزی صادقانه و پاک و پرهیز از ولنگاری جنسی و تسلط بر غرایز نفسانی، عفاف و پاکدامنی، حیا و ادب و پای‌بندی به اصول اخلاقی را از زبان شخصیت‌های داستانی‌اش ابراز کرده است و در عین حال قضاوت عجولانه درباره زنان جامعه را محکوم می‌کند. وی در تمام آثارش به نوعی مدافع زن مظلوم شرقی و به‌خصوص زن ایرانی است.

### تساوی حقوق زن و مرد و انتقاد از کودک‌همسری: تساوی حقوق زن و مرد

و برابری جنسیتی، از موضوعات مهم در جامعه امروز است که برای سیمین دانشور نیز از اهمیت والایی برخوردار است و معتقد است که زن باید کنار مرد در جامعه حضور داشته باشد و استقلال فردی و مادی و شخصیتی‌اش حفظ شود. او خودش و جلال را دو نفر مساوی می‌داند که خواسته‌اند با هم زندگی کنند و برای شخصیت و استقلال یکدیگر ارزش قائل شوند. وی فردیت بخشیدن به زن را در نامه‌هایش مدیون نگاه عادلانه جلال آل احمد دانسته و همواره آن را تحسین می‌کند: «تو گذاشتی من نام فامیل خود را داشته باشم؛ یعنی خودیت خودم را [...] و تو گذاشتی که خانواده من هرگونه شرایطی را که می‌خواستند در قبالة من بگنجانند و از آن جمله به من حق طلاق بدهند» (همان: ۱۳۱-۱۳۲). ازدواج‌های اجباری و کودک‌همسری هم از منظر سیمین پنهان نمانده است. وی یکی از دلایل استعمار زنان را کودک‌همسری می‌داند، چرا که انسان در کودکی و نوجوانی، هنوز قدرت تشخیص خوب از بد را ندارد و ترس از دست دادن زندگی، او را مجبور به تحمل ستم مردان می‌کند: «آخر هنوز بیست سالم نشده بود. سر ناهار، حسن آقا، شوهرم، دعوا می‌کرد، می‌زد» (دانشور، ۱۳۵۹: ۲۳۲).

**تشویق و حرکت به سوی کمال:** زنان آثار دانشور، اغلب مسیری از سادگی و ضعف را به سمت شجاعت و شهامت و نواندیشی و تحول طی کرده‌اند. زری که شخصیت برجسته و پرنقش داستان سووشون است، نمونه‌ای از زن شجاع و نترسی است که با تحمل ناملایمات فراوان، به مرحله‌ای از بینش و تفکر رسیده‌است که در مقابل خان‌کاکا می‌ایستد. دانشور چنین انتظاری از زنان جامعه خود دارد. او در ابتدای داستان، زنی منفعل و ترسو است که نویسنده به‌تدریج با واگویی‌ها و تحلیل‌های ذهنی‌اش، مسیر تکامل فکری و روحی‌اش را به خواننده نشان می‌دهد. او به‌عنوان یک شخصیتی تحولی (Evolutionary)، قصد دارد با ایجاد تغییراتی بنیادین در نگرش خود، نسبت به زورگویی‌های حاکم، رفتاری مقابله‌جویانه نشان دهد؛ او آگاهی فعلی‌اش را همچون چراغی روشن در ذهنش تعبیر می‌کند، چراغی که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را خاموش کند: «زری گفت: یک قدم که برداشتی، باید قدم‌های دیگر را هم برداری. تقصیر بی‌عرضگی خودم است. اما این بار جلوشان می‌ایستم و ناگهان احساس کرد که انگار ستاره‌ای در روحش جرقه زد» (دانشور، ۱۳۶۰: ۶۲). شخصیت زری، پیش از آن در مجموعه *آتش خاموش و بعدها در سووشون* به تکامل رسیده، اما درون‌مایه این شخصیت در تمام آثار دانشور به یک شکل پردازش شده‌است.

**خرافه‌پنداری:** یکی دیگر از مسائلی که مورد توجه سیمین دانشور بوده است؛ خرافه‌پنداری این قشر آسیب‌دیده است که می‌تواند ناشی از فقر فرهنگی و علمی آنان باشد. زنانی سنتی که همراه با تغییرات جهان مدرن، همچنان در جایگاه خود ثابت می‌مانند و معمولاً همسرانشان آنها را رها می‌کنند و به سراغ زنی متجددتر می‌روند و آن‌ها هم این را نتیجه جادوی دیگران در حق خود می‌دانند و با وجود این، برای رها شدن از این مشکلات، خود نیز به جادو و دعا پناه می‌برند. در داستان «مار و مرد» از مجموعه *به کی سلام کنم؟* خرافه‌پرستی زنی امروزی مانند نسرین را که به

دلیل نازایی‌اش به یک کولی بین راهی دل بسته و داروی او را مصرف کرده‌است، نشان می‌دهد. او پیش از این در نامه‌ای به جلال بعد از این که از کف‌بینی یک مرتاض هندی صحبت می‌کند، از خواب چند شب پیش خودش می‌گوید و در نهایت ابراز می‌کند که «البته دیگر خرافاتی نیستم که شور بزنم. هر چه شده باشد دور از دسترس من است و اگر هم نشده باشد که چه بهتر» (جعفری جزی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۳۸۷).

**فقر فرهنگی و اجتماعی:** یکی از جنبه‌های فقر که در ادبیات داستانی ایران و جهان، فراوان بدان پرداخته شده است، فقر فرهنگی و اجتماعی است که به شکل‌های مختلف در جامعه بروز می‌کند و یکی از عوامل بازدارنده رشد فردی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. میرصادقی معتقد است: «رمان جدی‌ترین نوع ادبی از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌رود و اهمیت آن، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که جوامع دچار دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی شوند. رمان بیش از هر قالب ادبی، توان توصیف و ترسیم این تحولات را دارد و به همین سبب بسیاری از منتقدان از جمله ویلیام هزلیت و ای ام فورستر، ادبیات داستانی و رمان را بازآفرینی واقعیت دانسته‌اند» (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۴۰۵-۴۱۱). از آنجا که رمان واقع‌گرایانه به بهترین شکل ممکن می‌تواند حقایق جامعه، از جمله فقر را در قالب شخصیت و سایر عناصر داستان به تصویر بکشد؛ سیمین نیز نمودهای متفاوتی از فقر فرهنگی و اجتماعی را در آثار و نامه‌های خود به جلال نشان می‌دهد. این دغدغه‌ها که حاکی از نگاه دقیق و موشکافانه او نسبت به اوضاع اجتماعی است، از مهم‌ترین و پایدارترین مؤلفه‌هایی است که اغلب از مقایسه اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایران با کشورهای اروپایی و آمریکایی نشأت می‌گیرد و انعکاس آن در نوشته‌های وی از نامه‌ها تا آخرین آثارش ادامه دارد: «بین اینها چه لذت‌هایی در زندگی دارند. همین آواز بهار بین چقدر

روح و دل افسرده آدم را شاد می‌کند و عمر ما؟ آیا غیر از عزاداری، ما چیزی به یاد داریم؟ (جعفری جزی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۴۲۲).

**فقر اقتصادی:** پرداختن به فقر اقتصادی مردم ایران، جزو دغدغه‌های بنیادین سیمین است. او و جلال معتقد بودند که وضعیت اقتصادی نابه‌سامان می‌تواند جامعه را به سوی جهل و خرافه بکشاند. آن‌ها با وجود اینکه از سطح معیشتی بهتری نسبت به مردم عادی برخوردار بودند، اما از محتوای نامه‌هایشان می‌توان به نگرانی‌های مالی و اقتصادی‌شان پی برد: «عزیز دل من، شانس اصلاً وجود ندارد، منتها از بس مملکت ما بی‌صاحب است و از بس، وضع سیاسی و اقتصادی متزلزل است، کوشش‌های فردی به جایی نمی‌رسد و آدم مجبور است به انتظار شانس بنشیند. اینجا باور کن همه غلام کوشش‌های فردی خودشانند» (همان: ۱۱۴). در اغلب آثار سیمین دغدغه نان به عنوان یکی از مشغله‌های زندگی شخصیت‌ها مطرح شده است. او فقر و نداری را مصیبت گریزناپذیر زندگی مردم عصر خویش می‌داند، مصیبتی که انسان را به هر کاری مجبور می‌کند و از او شخصیتی ترسو و توسری‌خور می‌سازد.

**آموزش و پرورش:** از دیگر مؤلفه‌های اجتماعی‌ای که در آثار سیمین بازتاب یافته، موضوع آموزش و پرورش است. او در نخستین نامه‌هایش به جلال، ضمن مقایسه آموزش در ایران و دنیای غرب، وضعیت آموزشی ایران را به چالش می‌کشد: «معلمم گفت که ایرانی‌ها چه استعدادی دارند. حیف که ما هیچ‌چیز نداریم؛ نه معلم، نه مربی، نه سواد متدیک. مثل گیاهانی خودرو هستیم که شاید یکی‌شان تصادفاً گل بکند، منتها ما استعداد دست‌نخورده داریم که آن‌ها ندارند» (همان: ۱۰۳). این دغدغه به صورت کلی‌تر اما غیرمستقیم در آثار داستانی‌اش نمود پیدا می‌کند. وی رسالت معلم شایسته را آزاداندیشی و پرهیز از اجبار می‌داند و آگاهی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی معلمان را امری ضروری در حیطه آموزش تلقی می‌کند. سیمین از کسانی که ادعای آموزش و دغدغه‌های فرهنگی دارند، انتظار بیشتری دارد و آگاهی سیاسی،

فرهنگی، اجتماعی معلمان را امری ضروری در حیطة آموزش می‌داند. وی در آثاری که بعد از نامه‌ها خلق می‌کند، با اینکه هیچ‌گاه مستقیم به مقوله آموزش و پرورش نپرداخته، اما شیوه‌های نامناسب تربیتی توسط مدیران و معلمان مدرسه، از چشمش دور نمانده است. یادآوری خاطراتی که زری شخصیت اصلی رمان سووشون از دوران تحصیل دارد، مؤید این معنی است.

## ۲-۱-۲. تحلیل مؤلفه‌های تاریخی

در بررسی محتوایی نامه‌ها، مواردی می‌بینیم که سیمین آن‌ها را با جانب‌داری و تعصبی خاص بیان می‌کند؛ این موارد شامل وقایع تاریخی، آرمانی و اسطوره‌ای است. شخصیت‌های داستانی او نیز، اغلب شخصیت‌های نگران نسبت به آینده و تاریخ سرزمینشان هستند. در بسیاری از روایت‌ها و داستان‌های نویسنده، برخی مفاهیم اسطوره‌ای با روایت‌های واقعی ترکیب می‌شوند تا به شکلی غیرمستقیم، دغدغه‌های نویسنده در باب تاریخ و فرهنگ ایران به خواننده ارائه شود.

بازتاب مفاهیم تاریخی - اسطوره‌ای: داستان سووشون ریشه در تاریخ ادبیات اسطوره‌ای ایران دارد. عنوان «سووشون» به رسم ایران قدیم در سوگ کشته شدن مظلومانة سیاوش اشاره دارد. بومی‌سازی مفاهیم اسطوره‌ای با محتوای تاریخی - اسلامی، یکی از شگردهای نویسنده در شخصیت‌پردازی محسوب می‌شود تا اثرگذاری داستانش را دوچندان کند. او سیاوش، اسطوره پاک ایرانی و یوسف، نماد مبارزه با ظلم و استعمار، را با امام حسین (ع) مقایسه می‌کند تا اسطوره و تاریخ را به هم پیوند بزند؛ و با انتخاب واژگان مناسب چون شهادت، کربلا، حضرت زینب (س)، حجله قاسم، تعزیه و ... واقعه عاشورا را با عناصر داستانی درمی‌آمیزد.

نوروز نیز به عنوان یکی از اعیاد باستانی و تاریخی ایرانیان در ادبیات داستانی جایگاه ویژه‌ای دارد. سیمین دانشور نیز در داستان‌هایش، جلوه‌هایی از این عید بزرگ

را به نمایش می‌گذارد. در داستان جزیره سرگردانی، به شکلی نمادین یک فصل را به وصف جشن نوروز اختصاص می‌دهد. حاجی فیروز هم به عنوان یکی از نمادهای فرارسیدن نوروز در داستان‌های وی، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. در داستان «عید ایرانی‌ها»، حاجی فیروز نمادی از فقر مردم ستمدیده از استعمار آمریکاست که در زمستان، مژده آمدن بهار را می‌دهد. دید و بازدیدها، عیدی دادن و عیدی گرفتن‌ها، نقل پاشیدن بر سر عروس و داماد، پیشکش‌های سر عقد و بسیاری از آداب و رسومی که در ضمن روایت به آن پرداخته می‌شود، بهانه‌ای است تا فرهنگ و آداب و رسوم غنی ایرانی را در قالب رویدادهای تاریخی به تصویر بکشد.

بازتاب وقایع تاریخی معاصر نویسنده: سیمین در بسیاری از آثارش به تلفیق تاریخ ایران با روایت‌های داستانی اهتمام ورزیده است. بیشترین موضوع تاریخی که در نامه‌ها می‌توان به آن استناد کرد، تاریخ معاصر دوران نویسنده است که اغلب بر محوریت حزب توده و اعضای آن و جریان‌های وابسته به فعالیت‌های مصدق و حضور و نفوذ بیگانگان در ایران است. «سیمین معتقد است که نویسنده در هر رمان و قصه‌ای، ناگزیر از دید تاریخی است، چرا که این، زمان است که انسان را می‌سازد و هرچه هست از برکت زمان است» (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۷۲).

از آنجا که نویسنده خود شاهد حضور نیروهای تحت نفوذ انگلیس در شیراز بوده است، با بیانی رسا و دقیق، صحنه‌ها را توصیف می‌کند. سووشون اقتباسی از تحولات تاریخی جنگ جهانی دوم، تفویض سلطنت به محمدرضا شاه و شورش عشایر و ایلات بختیاری است و همچنین به مسئله کشف حجاب و مشکلات اقتصادی و فقر و بیماری در جامعه می‌پردازد. حوادث این داستان، از حوادث تاریخی نیمه اول ۱۳۲۲ در شیراز الگو می‌گیرد؛ اما به گفته دانشور، به شکلی رمزی، به سقوط دولت مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز اشاره دارد. در جزیره سرگردانی هم مقطعی از تاریخ اجتماعی ایران را بازگو می‌نماید و سعی می‌کند با استفاده از شگردهای هنری، تغییر و تحولات

اجتماعی آن دوره را بیان کند. این داستان گویای تفکرات نسل جوانی است که میان سنت و مدرنیته سرگردان هستند. سرگردانی مردم عادی و حتی زندانیان سیاسی در داستان جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان به خوبی نمایان است. جنگ ایران و عراق هم از نظر سیمین دور نمی ماند: «مجروحان را می آوردند و دست‌ها و پاهای جدا شده را هم می آوردند و کنار آن‌ها می گذاشتند. مجروحی را دیدم که گلوله آرپی جی هفت، کمرش را قطع کرده بود و بالاتنه‌اش از پایین تنه‌اش جدا شده بود. آخر چرا؟ هیچ کس نمی پرسید چرا جنگ؟ چرا خونریزی؟ تنها انگار همه در فیلمی با دور تند بازی می کردند» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۸۸).

نامه‌ها نیز به عنوان یک منبع تاریخی از دوران زندگی نویسنده قابل اعتناست. برای نمونه، عبارت زیر روایتی رمزگونه از به سلطنت رسیدن محمدرضا شاه است: «بیشتر سیه‌روزی ما یک سیه‌روزی تاریخی است. همیشه یا یک قلدری بوده که نفس کش می طلبیده، یا هرج و مرج بوده و این مسئله تاریخی در گوشت و خون و مغز استخوان ما رسوخ کرده» (جعفری جزی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۳۲).

## ۲-۱-۳. تحلیل مؤلفه‌های سیاسی

اگرچه سیمین دانشور خود فعالیت سیاسی نداشت و به طور مستقیم وارد عرصه سیاست و عضو گروه‌ها و احزاب سیاسی نشد، اما واقعیت‌های جامعه را می دید و اوضاع زمانه خویش را زیر نظر داشت و در کنار جلال آل احمد، که خود منتقدی سیاسی بود، رویدادهای سیاسی را دنبال و بررسی می کرد. از این رو مؤلفه‌های سیاسی همچون آزادیخواهی، استعمارستیزی، مبارزه با فقر و فساد، دفاع از حقوق زنان، عدالت‌طلبی و ... در آثار داستانی او به وفور به چشم می خورد. وی به دلیل تحصیلات عالی، سفر به آمریکا و اروپا و همچنین زندگی مشترک با جلال، که خود منتقدی سیاسی بود، در نامه‌هایش به جلال و اغلب آثارش، همچون تحلیل‌گری سیاسی به نقد

جامعه ایران و سایر کشورها می‌پردازد و نفوذ و دخالت کشورهای هم‌چون آمریکا و انگلیس را دلیل بدبختی و فلاکت مردم ایران می‌داند. تزویر، استعمار، سودجویی و به غارت بردن ثروت‌های ملی ایران از جمله مشخصه‌ها و مضامین مورد توجه سیمین است.

## ۲-۱-۴. بازتاب زندگی خصوصی سیمین

اغلب داستان‌های سیمین بازتابی از زندگی شخصی اوست. اکثر شخصیت‌های زن در داستان‌های سیمین، روحیات خودش را دارند؛ به‌عنوان مثال: شخصیت «هستی» در داستان‌های سرگردانی بسیار شبیه سیمین است و بسیاری از حرف‌ها و اعتقادات جلال و سیمین از زبان او بازگو می‌شود. «زری» در سووشون شخصیتی آرام و صبور دارد و نمی‌خواهد سیاست و جنگ به خانه‌اش کشیده شود، اما سرانجام او نیز همچون همسرش در مقابل ظلم می‌ایستد، درست همانند سیمین که در ابتدا به کارهای سیاسی جلال خرده می‌گرفت و از او می‌خواست که کارهای حزبی را کنار بگذارد. و «به گفته خود سیمین، دکتر عبدالله خان یکی از شخصیت‌های فرعی رمان، دکتر محمدعلی خان دانشور، پدر اوست» (اربابی، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

از نظر او مادر شدن نقطه کانونی محبت است و مادر، موجودی در اوج فداکاری است که حیات از او آغاز شده و نقش پرورش و تربیتی مهمی را به عهده دارد. «به جلال اصرار می‌کردم که یک بچه از پرورشگاه بگیریم. در اشتیاق مادری می‌سوختم» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۱۹). زنان داستان‌های دانشور نیز دارای فرزندان زیبا و شیرین‌زبان هستند یا در آرزوی داشتن فرزند به هر دری می‌زنند.

یکی دیگر از مواردی که بازتاب زندگی شخصی سیمین و جلال را به نمایش می‌گذارد، زندگی زنان در جامعه مردسالار است، او همواره استقلال خود را به‌عنوان یک زن تحصیل‌کرده حفظ می‌کند و آن را در داستان‌هایش در قالب شخصیتی قدرتمند نمایش می‌دهد؛ سیمین زنی است که بر ترس غلبه دارد و شهامت را تحسین

می‌کند و به بنیان مستحکم خانواده و وفاداری زوجین اعتقاد دارد. او انعطاف‌پذیر است و برای تداوم زندگی خود به دلیل دوری از جلال، به بهترین نحو نقش‌آفرینی می‌کند.

## ۲-۲. بررسی نامه‌ها و آثار جلال آل‌احمد

### ۲-۲-۱. تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی

**نقد غربزدگی و بازگشت به سنت‌های شرقی:** آل‌احمد معتقد است معضل مدرنیته شدن که سوغات فرهنگ غرب است، باعث کم‌رنگ و فراموش شدن سنت‌های شرقی شده و سیطره ابزار و ماشین بر عرصه‌های گوناگون زندگی، نه تنها به مصرف-گرایی افراطی انجامیده، بلکه در اقتصاد و فرهنگ جوامع جهان سوم نیز رسوخ کرده‌اند. در کتاب *غربزدگی آمده است:* «اکنون ماییم و تشبه به قومی بیگانه و به سنتی ناشناس و به فرهنگی که نه در آب و هوای زمین ما ریشه دارد و نه به طریق اولی، شاخ و برگ می‌کند» (آل‌احمد، ۱۳۴۴ الف: ۹۱). در اغلب آثارش هنر و فرهنگ شرقی را برتر از هنر و فرهنگ غرب می‌داند. از محتوای نامه‌ها نیز برمی‌آید که علاوه بر دل‌تنگی‌هایش نسبت به سیمین، نگران دیدگاه تازه سیمین نسبت به ظواهر غربی است و به او هشدار می‌دهد که مبدا ظواهر آمریکا چشمش را پر کند (ر.ک. جعفری جزی، ۱۳۸۴ الف، ج ۲: ۱۱۲).

**مخالفت با اندیشه‌های عامیانه، خرافه‌پرستی و فقر اقتصادی:** دغدغه‌های فرهنگی جلال، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مفاهیمی است که همواره بر آن تأکید دارد؛ غربزدگی؛ مصرف‌گرایی؛ خرافه‌پرستی و بحران هویت ایرانی از مفاهیم پرتکراری است که هم در نامه‌ها و هم در آثار او وجود دارد. در کنار مبارزه با غربزدگی و پرداختن به ظواهر زندگی غربی که به قول او اصالت در آن وجود ندارد، روشنگری قشر عامه مردم نسبت به تفکرات خرافی و مذهب‌گرایی بدون تفکر نیز از

اهداف نویسندگی او محسوب می‌شود. آل‌احمد توجه به ظواهر امور و خرافه‌پرستی جامعه ایرانی را یکی از مشکلات اساسی مردم آن روزگار می‌داند و هدفش بیان ناآگاهی مردمی است که در راه رسیدن به موفقیت و کامیابی، مسیری غیرعقلانی و بی‌راهه طی می‌کنند. در کتاب *نون و القلم* به این مفاهیم اشاره می‌کند: «خاکستر قلم مرده، آب چله زائو، ریشه اسفندته، خاک گورستان و از این جور چیزها که با تباشیر هندی و جوز کوهی و آب زعفران معجون می‌کرد و حب می‌ساخت و می‌داد دست مشتری» (آل‌احمد، ۱۳۴۴: ب: ۳۲).

پرداختن به فقر و تبعیض از موضوعات دیگری است که جلال به آن‌ها نگاه منتقدانه دارد. در نامه زیر به سیمین، از فقر و فلاکتی سخن می‌راند که در یک کشور کمونیست مانند شوروی وجود دارد و اینک سایه شوم این کشور بر ایران، نیز حاصلی جز همان فقر و درماندگی ندارد. «وضع در مسکو بدتر است. در تمام روسیه فعلی، بیست میلیون آدم در زندان کار اجباری می‌کنند و می‌دانی این می‌شود درست ده درصد جمعیت آن خراب شده» (جعفری جزی، ۱۳۸۴ الف، ج ۲: ۱۲۸).

**دین‌گریزی و نگاه نقادانه به دین:** آل‌احمد به موضوع دین نگاه خاصی داشت و با آنکه در خانواده‌ای روحانی و متدین دیده به جهان گشوده بود، اما اعتقادات افراطی خانواده به‌خصوص پدرش باعث دین‌گریزی او شد. این موضوع در آثارش به وفور بازتاب یافته است. او در نامه‌هایش به سیمین به این موضوع اشاره کرده است: «می‌دانی که من برعکس تو، از زندگی خانواده خیری ندیده‌ام. محبتی ندیده‌ام. هرگز پشتم به خانواده نبوده است. تکیه‌ای روی آن نداشته‌ام و تو خیالت راحت باشد که حتی به عنوان کشیدن انتقام از این خانواده هم شده، من هرگز اخلاق‌های آن‌ها را تقلید نخواهم کرد و مثلاً مرد هرزه‌ای نخواهم بود» (جعفری جزی، ۱۳۸۴ الف، ج ۲: ۱۵۰).

او در سفرنامه حج خود، *حسی در میقات*، به بازتاب فضایی می‌پردازد که بر خلاف آموزه‌های دینی و عقیدتی اسلام است. او از تضاد میان ظاهر و باطن دین انتقاد

می‌کند و آنچه که از این مراسم به تصویر می‌کشد، دستاویز کردن حج برای به دست آوردن منافع مالی از جانب عربستان و کشورهای عربی است. او با ندای درون خود، خواهان بازنگری و بازگشت به هویت واقعی به دور از هر گونه تضادهای فکری و نژادی است.

**بی‌هویتی آموزش و فرهنگ جامعه:** یکی دیگر از موضوعات منعکس شده در آثار جلال در شرایط اجتماعی آن دوره، فرهنگ و آموزش و پرورش بیمار و معیوب است. جلال، تعبیر سیاهی از مدرسه دارد و معتقد است که رخوت و سستی همچون چتری بر نظام آموزشی کشور سایه افکنده است. او بر نقش پر رنگ معلم از منظر رفتار و اخلاق تأکید دارد و بر این باور است که نباید آلوده به فسادهای مالی بشود چرا که اگر تعلیمات از مسیر اصلی خارج شود، فرهنگ اسیر اشرافی‌گری می‌شود و اساطیر ارزشمند ایرانی جای خود را به صنعت ماشینی می‌دهند. در داستان نفرین زمین تعبیری که از دستگاه فرهنگ دارد، این‌گونه است: «آخر فرهنگ یعنی تحویل بار مرده‌ها به زنده‌ها» (آل احمد، ۱۳۹۰: ۲۴).

او در نامه‌هایش به سیمین، از حقایق زیادی پرده برمی‌دارد و به اوضاع نابسامان وزارت فرهنگ اشاره می‌کند؛ از جمله معضل رشوه دادن به وزارت خانه برای رهایی از سختی تدریس و معلمی: «و اما یک قضیه دیگر و آن اینکه دیروز صبح رفتم بیرجندی را دیدم در وزارت فرهنگ و این کار را به عنوان آخرین حرکت مذبحخانه برای فرار تلقی کردم» (جعفری جزی، ۱۳۸۴ الف، ج ۲: ۱۴۶).

**نابرابری حقوق زن و مرد و چالش‌های پیامدی آن:** نابرابری حقوق اجتماعی و محروم بودن زنان زحمتکش از حقوق خود و نداشتن هویت مستقل فردی از مشکلات اجتماعی آن دوره بوده که نظر نویسندگان به‌ویژه جلال را به خود جلب کرده است. او در جامعه ناظر زنان زحمت‌کشی است که به دلیل نابرابری‌های اجتماعی از حقوق واقعی خود محروم هستند. زنانی که جلال به دفاع از حقوقشان می‌پردازد،

زنانی هستند که در میان کلیشه‌های زنانگی خود اسیرند، کلیشه‌هایی که جامعه به آن‌ها تحمیل کرده است. «پیشینه نگرش درباره زن در ادبیات از لحاظ تاریخی و بینامتنی روشن می‌سازد که زنان عمدتاً در قالب افرادی سنتی و فاقد هویت فردی تکامل یافته و به مثابه کسانی که همه ناتوانی‌ها و انفعال‌های زنانه را دارند، به تصویر کشیده شده‌اند» (واحدی، سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۲۱۸). اغلب زنان داستان‌های جلال هم افرادی سنتی هستند که هویتشان را باور نداشته و همواره زیر نفوذ و سیطره مردان هستند.

فقدان حس اعتماد به نفس در زنان، جهل و نادانی و متکی بودن به مرد، از جمله مواردی است که جلال در داستان‌هایش به آن‌ها اشاره دارد. او حکایت زنانی را مطرح می‌کند که خود را سربار جامعه می‌دانند و از اسارت اجتماعی زنانی می‌گویند که به خاطر دیده نشدن و نداشتن ثبات هویتی، خود را تسلیم بی‌قید و شرط مردان می‌کنند و راوی حقارت‌هایی است که جامعه به زنان تحمیل می‌کند.

**تزلزل ارزش‌های فرهنگی:** با نفوذ تمدن جدید غرب در ایران و مواجهه آن با سنت دیرسال، بسیاری از باورها و اعتقادات سنتی مردم متزلزل شد و نتیجه‌ای جز خودباختگی و سرگردانی در برابر ارزش‌های فرهنگی نداشت. از نظر جلال آل‌احمد، مصرف‌گرایی، بدترین حالت ممکن برای جوامعی است که خود از تمدن و فرهنگ غنی برخوردارند. او نیاز جامعه به نیروهای جوان را گوشزد می‌کند و جوانان ایران را توانمندتر از بیگانگان می‌داند: «فرهنگ و سیاست ما باید از قدرت‌های جوان و تند و محرک به عنوان اهرمی استفاده کنند که تأسیسات کهن را با همه سنگین باری‌شان به طرفه‌العینی از جا برکنند و از آن‌ها همچون مصالحی برای ساختن دنیایی دیگر استفاده کند» (آل‌احمد، ۱۳۴۱: ۱۹۰).

## ۲-۲-۲. تحلیل مؤلفه‌های تاریخی

حضور جلال در جریان‌ات روشنفکری و گره خوردن فعالیت‌های اعتقادی با حیات اجتماعی او، موجب می‌شود تجربه‌های زیسته و آنچه را که در ذهن اوست، را روایت کند و به تاریخ معاصر نظر داشته و در داستان‌هایش، گوشه‌هایی از دفتر تاریخ را ورق بزند و از مقاومت در برابر بیگانگان و حکومت جبار سخن بگوید: «هرآزانی درست در افکار خود فرو رفته بود، مثل آنکه به او اهانتی کرده باشند، [...] چند بار به کله‌اش زد و بلند شد که برود و دکانش را باز کند و تا سر و صدا نیفتاده در مقابل این لجرها قد علم کند و پوزه چندتاشان را خورد کند و نشان بدهد که هیچ غلطی هم نمی‌توانند بکنند» (آل‌احمد، ۱۳۲۶: ۸۵-۸۶).

جلال در نامه‌ای به سیمین، به منظور شناساندن فرهنگ و هویت ایرانی که مهم‌ترین عنصر برای تبلیغ است، آثاری را که منشاء تاریخی دارند برایش می‌فرستد تا با وصف تاریخ حماسی ایران و ادبیات غنی آن تعامل و اثرگذاری لازم را فراهم کند و از این دریچه، تاریخ مشرق‌زمین بخصوص ایران را یادآور شود: «یک داستان دیگر هم هست که پهلوانی‌های گرشاسب است و آن را هم می‌فرستم. با همین پست. می‌توانی سر و تهش را بزنی و قصه‌اش کنی. می‌توانی ترتیب تاریخی داستان را به آن بدهی. یعنی اول گرشاسب پهلوانی‌هایش را یک‌یک بکند بعد دست آخر بی‌احترامی به آتش و بعد مغضوب شدن» (جعفری جزی، ۱۳۸۴ الف، ج ۲: ۱۹۸).

## ۲-۲-۳. تحلیل مؤلفه‌های سیاسی

آل‌احمد متفکری است که همواره به مسائل سیاسی و اجتماعی کشورش می‌پردازد. تأسیس انجمن اصلاح، فعالیت در حزب توده، گریز از این حزب، عضویت در حزب زحمتکشان، فعالیت در نیروی سوم، نزدیک شدن به دکتر مصدق و شکست او در کودتای ۲۸ مرداد، و در نهایت جدایی از فعالیت‌های سیاسی را می‌توان به عنوان

فعالیت‌های سیاسی جلال آل‌احمد نام برد. او از جمله اندیشمندانی است که مدافع فرهنگ ملی و مذهبی ایرانیان است و تلاش زیادی در جهت استقلال سیاسی و فرهنگی کشور انجام داده‌است. زمانی که او به ماهیت حزب توده پی می‌برد، دل‌زدگی و دور شدنش از این حزب را بارها در نامه‌هایش به سیمین بیان می‌کند: «الان تمام فکر و ذکر من این است که کار حزب چه خواهد شد، در صورتی که می‌دانی مدتی است از آن بریده‌ام و کاری هم با کار آن ندارم» (همان: ۱۲۰).

جلال در نقدهای سیاسی و اجتماعی آن دوره، نویسنده‌ای پیشگام بود و برای مبارزه با خفقان اجتماعی افکارش را صریح و شجاعانه بیان می‌کرد و در جایگاه فردی میهن‌پرست و آزادی‌خواه، سیاست‌های نادرست دولت را در داستان‌هایی چون مدیر مدرسه و نفرین زمین و ... به باد انتقاد می‌گرفت.

کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی حکومت مصدق، واقعه‌ای سیاسی است که بر تمام ابعاد اجتماعی ایرانیان تأثیر داشته است. جلال در نامه‌هایش به سیمین، در چندین جا به شکست احتمالی جنبش ملی اشاره می‌کند و در داستان سرگذشت کندوها درباره استعمار و غارت نفت توسط بیگانگان با کنایه سخن می‌گوید. «شکست جبهه ملی و برد کمپانی‌ها در قضیه نفت - که از آن به کنایه در سرگذشت کندوها گپی زده‌ام - سکوت اجباری مجددی را پیش آورد که فرصتی بود برای به جد در خویشتن نگریستن» (آل‌احمد، ۱۳۴۳: ۵۱).

## ۲-۲-۴. بازتاب زندگی شخصی

جلال آل‌احمد از دوران کودکی، روحیه جست‌وجوگر و پرسش‌گری داشت و با نگاه تیزبینش، تناقضات موجود در اخلاق و رفتار پدر و مذهب او را می‌دید و این نگرش، باعث کشمکش‌های روحی در دوران جوانی‌اش شد. میرسپاسی در کتاب تأملی در مدرنیته ایرانی می‌گوید: «جوانی آل‌احمد در گشت و تعارض ناشی از کشمکش

میان مطلق‌گرایی اخلاقی که در محیط خانه پدری حاکم بود و تغییرات خوشونت‌بار سکولار که در عرصه بزرگ‌تری جریان داشت، سپری شد» (میرسپاسی، ۱۳۹۴: ۱۷۳). از این‌رو داستان‌ها و شخصیت‌های داستانی‌اش نیز بازتابی از شخصیت و زندگی خود او هستند. از هر فرصتی برای اظهار نظرهای شخصی‌اش در قالب روایت‌ها، داستان‌ها و نامه‌ها استفاده کرده است. سخنان میرزا اسدالله از شخصیت‌های داستان نون والقلم، همان افکار و شخصیت خود او است.

یکی دیگر از موضوعاتی که ذهن جلال را به خود مشغول کرده و در حقیقت بازتابی از زندگی شخصی اوست، مسئله ناباروری است. او در نامه‌هایش احساس و هیجانات خود را بیان کرده و از سیمین می‌خواهد که حتماً به دکتر مراجعه کند. بعدها در کتاب سنگی بر گوری تلاش برای بچه‌دار شدن را این‌گونه بیان می‌کند: «بعد از این قضایا باز راه افتادیم و رفتیم سراغ اطبا به تلافی آن حماقت‌ها و این جووری دو سال دیگر شدم مشتری اطبا [...] هر جمله‌ای هزار امید؟ اما جواب؟ بی‌جواب [...] مسلم است بی‌تخم و ترکه ماندن ما دکان هیچ دکتر بعد از این را کساد نکرده است» (آل احمد، ۱۳۶۰: ۴۴).

## ۲-۳. شگردهای بازسازی موضوعات نامه‌ها در قالب داستان‌ها

نظر به اینکه پژوهش حاضر روابط بینامتنی میان نامه‌ها و آثار دو نویسنده را بررسی کرده، لازم است به این نکته نیز بپردازد که موضوعات و گفتگوهای موجود در نامه‌ها به چه شکل‌هایی در آثار داستانی بازتاب یافته‌اند.

## ۲-۳-۱. در آثار جلال آل احمد

## ۲-۳-۱. در قالب شخصیت‌های داستانی

**در قالب شخصیت‌های شبیه به جلال:** آل احمد در بیشتر داستان‌های خودش حضور دارد و در بسیاری از موارد، یکی از شخصیت‌های اصلی داستان‌های خود است. در داستان نفرین زمین شخصیت معلم ده تا حدی شبیه به جلال است. او هم کار معلمی، دلش را زده و آن را مایهٔ یکنواختی و عدم پیشرفت در زندگی خود می‌داند: «شغل آدم زودتر از هر چیز، دل آدم را می‌زند. وقتی بهش عادت کردی و بخصوص همچو که کار هر روزهاش دیگر فکر کردن نخواست، آن وقت دلت را می‌زند» (آل‌احمد، ۱۳۹۰: ۵۲).

**در قالب شخصیت‌های شبیه به سیمین:** در داستان‌های جلال شخصیت سیمین کمتر دیده می‌شود. تنها در داستان «مسلول» از مجموعهٔ زن زیادی، همسر شخصیت اصلی داستان به سیمین شباهت دارد. به همان اندازه نگران جلال و به همان اندازه پیگیر وضعیت سلامت او: «بعد که او دیده بود و فهمیده بود هنوز به دکتر مراجعه نکرده‌ام، عصبانی شده بود و دو سه بار دعوا هم کرده بودیم» (آل‌احمد، ۱۳۵۶: ۱۷۸).

**در قالب دیگر شخصیت‌های مطرح در نامه‌های آن دو:** در نامه‌های رد و بدل شده میان جلال و سیمین، از افراد مختلفی صحبت شده است که بعضی از آن‌ها در آثارشان هم راه پیدا کرده و در قالب شخصیت‌های داستان بازآفرینی شده‌اند. در نامه‌ها، جلال از سختگیری‌های پدر، مهربانی‌های مادر و بیماری خواهر حرف زده و این شخصیت‌ها با همان ویژگی‌ها در بیشتر داستان‌های وی حضور دارند. در داستان «جشن فرخنده» از مجموعهٔ پنج داستان دربارهٔ اخلاق پدر این‌گونه می‌نویسد: «بابام با آن همه ریش و عنوان، آن روز فحش‌هایی به اصغر آقا داد که مو به تن همهٔ ما راست شد» (آل‌احمد، ۱۳۶۰ الف: ۱۳۶).

«جین» همکلاسی و دوست صمیمی سیمین است که در نامه‌ها از او صحبت بسیار به میان آمده است. شوهرش به جنگ کره رفته و او مدت‌هاست که از همسرش خبری ندارد. در داستان «شوهر آمریکایی» جلال از موقعیت همسر جین استفاده می‌کند: «گفت نامزدش بوده که می‌برندش جنگ کره. و جنگ که تمام می‌شود دیگر بر نمی‌گردد لوس آنجلس» (آل احمد، ۱۳۵۶: ۷۵).

### ۲-۳-۲. در قالب حوادث و کنش‌های داستانی

خاطرات کودکی و حوادثی که در کودکی و جوانی برای جلال رخ داده، در بسیاری از داستان‌ها، به کنش‌های داستانی تبدیل شده که به برخی از این موارد در نامه‌ها هم اشاره کرده‌است. یک‌بار جلال در مدرسه یکی از دانش‌آموزان را به شدت کتک می‌زند. این موضوع را در نامه چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۳۱ برای سیمین شرح می‌دهد: «می‌دانی عزیز دلم، امروز صبح باز در مدرسه یک خرید کردم. پسری را [ ... آن قدر زدم که نگو و بیرونش کردم و نمی‌دانی چه حالی شدم؟! ...] درست نیم ساعت از عصبانیت می‌لرزیدم» (جعفری جزی، ۱۳۸۴ الف، ج ۲: ۱۷۵). این موضوع در داستان «دفترچه بیمه» رخ می‌نماید: «سالی دو سه بار به حد جنون عصبانی می‌شوم. پارسال پسری را آن قدر زدم که از حال رفت. خودم هم از حال رفتم» (آل احمد، ۱۳۵۶: ۸۲).

جلال در ساخت خانه‌شان در تجریش مشارکت داشت و هرروز با عمله و بنا سر و کله می‌زد. از این رو حرکات و جزئیات کارشان از نگاه تیزبین وی دور نمی‌ماند: «وقتی آدم می‌بیند که پای عمله پیر دارد زیر تیر هجده متری که پنجاه من وزن دارد خم می‌شود و آه! الآن است که بخورد زمین و روی گل لیز بخورد و پدرش در بیاید، چه کار می‌کند؟ خیلی ساده است که می‌رود جلو، شانه‌اش را زیر تیر می‌دهد و حمّالی می‌کند» (جعفری جزی، ۱۳۸۴ ب، ج ۲: ۸۱۶). همین موضوع کنش داستانی

«زندگی که گریخت» را پی‌ریزی می‌کند. داستان باربری که کمرش زیر بار حمل گونی‌های برنج خم می‌شود و نمی‌تواند بار را به قایق برساند: «می‌خواست کار خود را بکند. می‌خواست نگذارد بار به زمین بیفتد. می‌خواست نگذارد پایش بلرزد ولی پایش می‌لرزید [...] نزدیک بود زانویش خم شود و بار توی شط بیفتد» (آل احمد، بی‌تا: ۶۴).

### ۲-۳-۱-۳. در قالب گفتگوی میان شخصیت‌ها

یکی از مضامینی که در قالب گفتگوی میان شخصیت‌ها در آثار جلال جلوه می‌کند، فقر و فلاکت است. در داستان «لاک صورتی» از مجموعه سه‌تار یکی از دلایل دعوای زن و شوهر، فقر و فلاکت آن‌هاست: «ماها تو این زندگی تنگمون هی پاهامون به هم می‌پیچه، و رو سر و کول هم زمین می‌خوریم و خیال می‌کنیم تقصیر اون یکیه. غافل از این‌که، این زندگی‌مونه که تنگه! و ماها رو به جون همدیگه می‌ندازه» (همان: ۵۰ - ۵۱).

همین عقیده را در نامه‌ها هم شاهدیم. سیمین به جلال می‌گوید: «به علاوه یک تغییری در زندگی ما لازم بود پیش بیاید تا قدر هم را بدانیم. زیرا زندگی ما راستش چندان آخری‌ها خوش نبود و سختی‌ها و تلخی‌های مادی ما باعث شده بود که نسبت به هم خشن بشویم» (جعفری جزی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۲۱۲).

گفت‌وگوهای میان شخصیت‌ها در آثار جلال کارکردی فراتر از انتقال اطلاعات دارند و به بستری برای بیان تنش‌های اجتماعی و فشارهای معیشتی بدل می‌شوند. این دیالوگ‌ها، همانند نامه‌ها، زبان صریح و بی‌پیرایه او را بازتاب می‌دهند و البته حکایت از آن دارند که چگونه تجربه شخصی فقر و تنگنای اقتصادی به صورت طبیعی بر زبان شخصیت‌ها جاری می‌شود و به عنصر سازنده فضای روایی تبدیل می‌گردد.

### ۲-۳-۱-۴. در قالب صحنه و صحنه‌پردازی

آثار جلال واقع‌گرایانه است و بیشتر داستان‌هایش از خاطرات زندگی روزمره سرچشمه می‌گیرد. ماجرای سفر به آبادان به‌طور کامل در نامه‌ها برای سیمین نقل شده و خاطرات این سفر در برخی از داستان‌های جلال نمود پیدا کرده‌است. در این سفر، دستفروشی بچه‌ها در کنار قطار، نظر جلال را به خود جلب می‌کند: «الآن قطار ایستاده و بچه عرب‌ها در قطار جنجال می‌کنند و ده شاهی از آقاها و خانم‌ها می‌خواهند (جعفری جزی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۴۷۹). همین خاطره به ظاهر کوچک، در داستان «وداع» به یکی از صحنه‌های داستانی بدل می‌شود: «بچه‌های آنان [...] در اطراف قطار می‌پلکیدند و دائم مسافری را به خرید هدیه‌های ناچیز نوروزی خود دعوت می‌کردند [...] بهای گل ناچیز خود را از دو قران به یک قران پایین آورده بودند و بی‌شک اگر قطار معطل می‌شد به ده شاهی هم می‌رساندند» (آل احمد، بی‌تا: ۵۴). با توجه به موارد یاد شده، صحنه‌پردازی در داستان‌های جلال را صرفاً نباید به عنوان یک گزارش موقعیت بررسی نمود، چرا که به تصویر کشیدن صحنه آن هم بدین شکل، نگاه اجتماعی او را زنده و پویا می‌سازد. جزئیاتی که در نامه‌ها به‌صورت تجربه‌های کوتاه ثبت شده‌اند، در داستان‌ها به صحنه‌هایی تبدیل می‌شوند که هم فضای روایت را می‌سازند و هم وضعیت جامعه را بی‌واسطه پیش چشم خواننده می‌گذارند.

۲-۳-۲. در آثار سیمین دانشور

۲-۳-۱. در قالب شخصیت‌های داستانی

در قالب شخصیت‌های شبیه به جلال آل احمد: چنان‌که از متن نامه‌ها به دست می‌آید، جلال فردی لاغر و از نظر جسمانی ضعیف است. به خورد و خوراک خود خیلی اهمیّت نمی‌دهد. سیگار می‌کشد. گاهی مشروب می‌نوشد. اغلب به سرماخوردگی دچار می‌شود. خیلی سرفه می‌کند. توانایی بچه‌دار شدن ندارد، اما دوست دارد که بچه داشته باشد. زود خشمگین می‌شود و تا حدی دم‌دمی مزاج است

و در هر مسیری که پا می‌گذارد، زود دل‌زده می‌شود. در بیشتر آثار سیمین، چنین مردی را می‌بینیم که همه یا برخی از این خصوصیات را دارد. «مراد» در جزیره سرگردانی تا حدی خصوصیات آل احمد را داراست: مامان عشی در گفت‌وگویی با هستی می‌گوید: «مراد را رها کن. لاغر و مردنی است. انگار همیشه بر سر آتش نشسته» (دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۱۵).

**در قالب شخصیت‌های شبیه به سیمین:** شخصیت‌های شبیه سیمین در آثار وی، به سه شکل متفاوت نقش‌آفرینی می‌کنند. در برخی از داستان‌ها خود سیمین حضور دارد. در داستان‌های جزیره سرگردانی و ساربان سرگردان، سیمین با نام و عنوان خودش و به‌عنوان همسر جلال آل احمد نقشش را ایفا می‌کند. در بعضی دیگر شخصیت داستانی، خصوصیات اخلاقی و اجتماعی سیمین را داراست. در بیشتر داستان‌های این نویسنده، یک خانم معلم یا خانم مدیر منطقی را می‌بینیم که تا حدی با شخصیت سیمین همخوانی دارد. و سدیگر این‌که خصوصیات ظاهری و چهره سیمین در شخصیت داستان نمایان می‌شود که مثل خود سیمین سبزه و بانمک است.

**در قالب دیگر شخصیت‌های نامه‌های آن دو:** برخی از شخصیت‌های داستان‌های سیمین، الهام گرفته از دوستان و هم‌کلاسی‌های دوران سفر او به آمریکا است. او می‌گوید: «در باره آمریکا یک دنیا سوژه دارم که وقتی آمدم به فارسی می‌نویسم و آن‌قدر شخصیت که می‌توان از آن شخصیت‌ها یک رمان حسابی نوشت» (جعفری جزی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۳۷۸). سراج هندی، هلن، پسیتا، جین و ... دوستان و هم‌کلاسی‌های سیمین در دانشگاه استنفورد هستند، که هر کدام به نوعی در برخی از داستان‌های وی ظاهر شده‌اند. «پسیتا» با همین نام و عنوان در داستان جزیره سرگردانی به عنوان خدمتکار خانه و هلن هم در داستان‌های «تیلۀ شکسته» و «انتخاب» حضور دارد. و در داستان

«چشم خفته» می‌گوید: «با سه تا دختر هندی و یک پاکستانی هم‌اتاق هستیم» (دانشور، ۱۳۵۹: ۱۱۰).

## ۲-۲-۳. در قالب حوادث و کنش‌های داستانی

برخی از حوادثی که در داستان‌ها می‌بینیم، به نوعی در نامه‌ها نیز دیده شده است. یکی از این موارد لاغری جلال است. «اول‌ها خیلی چاق‌تر بودی و بعد روزبه‌روز لاغرتر شدی؟ [...] خیلی دلم می‌خواست که علت این لاغری مفرط تو را بدانم [...] یادت است که استراحت هم نتوانست تورا چاق بکند. خیالم به کلی از طرف تو ناراحت است» (جعفری جزی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۴۳).

مشخص است که ذهن سیمین درگیر این مسئله است و در داستان «مار و مرد» این نگرانی در قالب کنش داستان و مراجعه‌ انور و نسرین به پزشک بازنمایی می‌شود: «آیا لاغری مفرط دکتر و وسواسش مانع کار نیست؟ و دکتر گفت چه ربطی دارد» (دانشور، ۱۳۵۹: ۱۴۶).

با در نظر گرفتن نمونه‌هایی که بیان شد، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که در نامه‌ها، برای مثال لاغری جلال یک واقعیت روزمره و یک نگرانی عاطفی است. سیمین آن راثبت می‌کند، درباره‌اش می‌پرسد و از آن می‌ترسد. این دال در متن اول، فقط نشانه وضعیت جسمی و رابطه عاطفی آن دو است. از سوی دیگر، همین دال به شکلی دیگر در داستان بازتولید می‌شود. لاغری دکتر در «مار و مرد» یک ویژگی جسمی است و می‌تواند در کنار آن یک مسئله در مورد کارکرد و سلامت روانی باشد. پرسش نسرین و انور، همان نگرانی سیمین است، اما از سطح رابطه شخصی جدا شده و به مسئله‌ای عمومی بدل می‌گردد. این جابه‌جایی معنایی همان چیزی است که بینامتنیت را شکل می‌دهد و ساختار می‌بخشد. یک نشانه از متن نخست جدا می‌شود و وارد متن دوم می‌گردد و در آن جا معنایی تازه و به عبارتی جان تازه می‌گیرد. باید این نکته را در نظر داشت که پیوند میان نامه و داستان، پیوندی مستقیم نیست؛ بلکه

پیوندی تبدیل شده است. آن تجربه‌های شخصی در نامه‌ها در داستان به یک کنش تبدیل می‌گردد. همین تبدیل، هسته اصلی و اساسی بینامتنیت در این بخش است.

### ۲-۳-۲. در قالب گفتگوی میان شخصیت‌ها

سیاری از تجربیات سیمین در آمریکا و گفتگوهایش با جلال، در قالب گفتگوی میان شخصیت‌های داستانی‌اش بازنمایی شده است که در اینجا به ذکر یکی دو مورد اکتفا می‌شود. یکی از موضوعاتی که سیمین را ناخرسند می‌کند و ذهن او را به خود مشغول می‌دارد، حرف و حدیث مردم دربارهٔ بچه‌دار نشدن اوست. این موضوع را در نامه‌ای با جلال در میان می‌گذارد: «فامیلت که ابداً سر در نمی‌آورند من چه جور آدمی هستم، فقط مرا سیاه و یا نازا می‌دانستند» (جعفری جزی، ۱۳۹۸: ص ۱۷۹). این موضوع آن‌قدر فکر سیمین را مشغول کرده که به داستان‌های او نیز راه می‌یابد. در داستان «بی‌بی شهربانو» حرف‌های خاله را می‌شنویم: «پیرزن خشمناک گفت: خوبه که اجاقت کوره، اگه بچه داشتی چه آتیشی می‌سوزوندی؟» (دانشور، ۱۳۵۴: ۵۶)

در جزیرهٔ سرگردانی بحث دربارهٔ سیاست و شخصیت و مرام مصدق در گفتگوی شخصیت‌ها فراوان است و گاهی برخی سخنان جلال از زبان یکی از شخصیت‌ها بازگو می‌شود. جلال در نامه‌هایش به سیمین دربارهٔ اوضاع ایران می‌نویسد: «دکتر مصدق یک کمی از لیبرالیسم خود دست کشیده و جدی شده» (جعفری جزی، ۱۳۸۴ الف، ج ۲: ۱۸۹). در قسمتی دیگر دربارهٔ مشکلات مصدق چنین می‌گوید: «آیت‌الله و بقایی و عده‌ای مخالف او هستند؛ یعنی شده‌اند [...] در این دم آخری که کار دارد درست می‌شود، این پیرمرد را خیلی اذیت می‌کنند. آن [...] آیت‌الله هم بالاخره زهرش را دارد می‌ریزد» (همان: ۳۷۶). این مطالب به شکلی در گفت‌وگوی بین شاهین و سلیم در جزیرهٔ سرگردانی نمود پیدا می‌کند: «سلیم فکری کرد و ریشش را خاراند و ادامه داد. می‌خواستی به آن استاد خپله بگویی مصدق، با وجودی

که مصدق‌السلطنه و از اشراف بود، ملی‌گرا و دموکرات و لیبرال بود و رادیکال عمل می‌کرد، بنابراین نمی‌توانست حزب توده را غیرقانونی اعلام بکند. همکاران مصدق هم همگن و متشکل نبودند. یک حزب قوی ایرانی و ملی هم پشتیبانش نبود» (دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۸۲).

## ۲-۳-۲-۴. در قالب صحنه و صحنه‌پردازی

یکی از صحنه‌ها و شخصیت‌هایی که در داستان‌های سیمین به چشم می‌خورد، وجود یک خانم مدیر است که فراش یا سرایدار مدرسه در خانه‌اش کار می‌کنند و او همواره هوایشان را دارد و به کار و بارشان سامان می‌بخشد. در یکی از نامه‌ها جلال به فردی به نام یحیی برای خدمتکاری خانه اشاره می‌کند: «خلاصه نظرش این است که او و زن و یک بچه‌اش را (که پرسیدم دو سال و نیمه است) بیاوریم پهلوی خودمان و کارش را هم منتقل کنیم به شمیران. سرایداری‌اش را بدل کنیم به فراشی یکی از مدرسه‌ها و پهلوی ما باشند. نظرت چیست؟» (جعفری جزئی، ۱۳۸۴ ب، ج ۲: ۶۹۳). این صحنه در داستان «به کی سلام کنم؟» به بار می‌نشیند: «حاج اسمعیل فراش مدرسه بود و من توی خانه خدمت خانم مدیر را می‌کردم» (دانشور، ۱۳۵۹: ۷۹).

حتی ماشین شخصی این زوج هم سر از داستان‌های سیمین در می‌آورد. ماشین هیلمنی که سیمین به آن بسیار علاقه دارد: «اگر یادت باشد آرزوی اسب داشتم و این ماشین حالا فهمیده‌ام که اسب قرن بیستم است. آن قدر دوستش دارم. هیلمن جان من است» (جعفری جزئی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۰۵). در جزیره سرگردانی ماشین لعل بیگم و سرادوار هم هیلمن است: «اول یک ماشین هیلمن از در باغ تو آمد و جلو ایوان توقف کرد. لعل بیگم و سرادوار به ایوان آمدند» (دانشور، ۱۳۸۰ الف: ۱۲۴).

### ۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر روابط بینامتنی میان نامه‌ها و آثار جلال آل‌احمد و سیمین دانشور را در ابعاد مختلف بررسی کرده‌است. با توجه به نظریات بینامتنیت، در عصر حاضر متون خودبسنده نیستند؛ بلکه متکثرند و از متون پیش از خود نشئت می‌گیرند. بنابراین بدیهی است برای درک و دریافت هر اثر ادبی نیازمند شناخت پیش‌متن‌های آن اثر هستیم. از این‌رو جهت شناخت بهتر آثار این دو نویسنده از نامه‌های آن دو به عنوان یکی از پیش‌متن‌ها استفاده شده است.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش مشخص شد، موضوعات و صحبت‌های موجود در نامه‌ها به صورت مختلفی در آثار داستانی بازنمایی شده‌اند که در قالب مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، تاریخی و بازتاب زندگی شخصی بررسی شده است. موارد متعددی از مفاهیم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی موجود در آثار داستانی، زمان و مکان داستان‌ها، دیالوگ‌ها، صحنه‌سازی‌ها، شخصیت‌ها و عناوین برخی از آثار و داستان‌ها، همبستگی متقابل و بینامتنی نامه‌ها و آثار هر دو نویسنده را نشان می‌دهد و گویای روابط بینامتنی و ترامتنی بین آن‌ها است.

مصرف‌گرایی و غرب‌زدگی کشورهای جهان سوم، مباحث استعمارستیزی، حوادث و جریان‌های تاریخی که به صورت ملموس در نامه‌ها به آن اشاره شده است، در آثار هر دو در بستر داستان و دیالوگ بین شخصیت‌ها گسترش داده می‌شود و گاه در قالب کنش‌های داستانی، موضوع داستان و حتی در خاطرات شخصیت‌ها تداعی می‌یابند.

روابط بین زنان و مردان و رعایت شئون اخلاقی و احترام متقابل به حقوق یکدیگر و در عین حال مخالفت با ولنگاری بی‌حد و مرز، مردسالاری، گرفتاری‌های زنان، فقر و مشکلات اقتصادی، بی‌پولی و اجاره‌نشینی و غیره، از جمله مؤلفه‌های

فرهنگی و اجتماعی است که در آثار و نامه‌های هر دو به وفور یافت می‌شود و زمینه‌ساز صحنه‌ها و دیالوگ میان شخصیت‌ها می‌شود.

روابط شخصی میان دو نویسنده، ظاهر، شخصیت، اخلاق و رفتار، تجربیات شخصی، خاطرات دوران کودکی و بزرگسالی و بعضی از تجربیات مشترک هر یک را می‌توان در آثار دیگری ردیابی کرد که گاه موجب شکل‌گیری صحنه‌های داستانی مشابه می‌شود. مثل: پول ریختن در سینی چای برای مستخدم مدرسه یا تشییع جنازه یوسف در سووشون و آوردن نعش شوهر بی‌بی در نفرین زمین.

علاوه بر روابط بینامتنی که به‌طور گسترده در آثار هر دو نویسنده به چشم می‌خورد. تفکر و درک جلال آل احمد بیشتر مبتنی بر گرایش‌های سیاسی و در مقابل سیمین دانشور بر گرایش‌های فرهنگی متمرکز بوده است. در واقع فضای فکری‌ای که در نامه‌هایشان بازتاب یافته، نشان‌دهنده سیر تکاملی ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های هر دو نویسنده است که ضمن تأثیرپذیری از عقاید یکدیگر، می‌توان مسیر رو به رشدی را در آثارشان مشاهده نمود.

## کتاب‌شناسی

### الف: کتاب‌ها

- ۱) آل احمد، جلال (۱۳۲۶)، *از رنجی که می‌بریم*، چاپ اول، تهران: جنگل.
- ۲) ..... (۱۳۴۱)، *غربزدگی*، چاپ اول، تهران: فردوس.
- ۳) ..... (۱۳۴۳)، *یک چاه و دو چاله و مثلاً شرح احوالات*، چاپ اول، تهران: رواق.
- ۴) ..... (۱۳۴۴ الف)، *غربزدگی*، چاپ دوم با تجدید نظر، تهران: رواق.
- ۵) ..... (۱۳۴۴ ب)، *نون والقلم*، چاپ دوم، تهران: رواق.
- ۶) ..... (۱۳۵۶)، *زن زیادی*، چاپ چهارم، تهران: رواق.
- ۷) ..... (۱۳۶۰ الف)، *پنج داستان*، چاپ سوم، تهران: رواق.
- ۸) ..... (۱۳۶۰ ب)، *سنگی برگوری*، چاپ اول، تهران: رواق.
- ۹) ..... (۱۳۹۰)، *نفرین زمین*، چاپ سوم، تهران: مجید.
- ۱۰) ..... (۱۳۴۳)، *سه تار*، تهران: جاویدان، بی‌تا.
- ۱۱) اربابی، عیسی (۱۳۷۸)، *چهار سرو افسانه* (پژوهشی در آثار و زندگی جمالزاده، هدایت، دانشور و افغانی)، چاپ نخست، تهران: اوحدی.
- ۱۲) جعفری جزی، مسعود (۱۳۹۸)، *نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد*، کتاب اول، چاپ سوم، تهران: نیلوفر.
- ۱۳) ..... (۱۳۸۴ الف)، *نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد*، کتاب دوم (بخش اول)، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- ۱۴) ..... (۱۳۸۴ ب)، *نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد*، کتاب دوم (بخش دوم)، چاپ اول، تهران: نیلوفر.

- ۱۵).....(۱۳۸۵)، *نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد*، کتاب سوم، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- ۱۶) دانشور، سیمین (۱۳۵۹). *به کی سلام کنم*، چاپ اول، تهران: خوارزمی.
- ۱۷).....(۱۳۵۴)، *شهری چون بهشت*، چاپ دوم، تهران: کتاب موج.
- ۱۸).....(۱۳۶۰)، *سووشون*، چاپ دهم، تهران: خوارزمی.
- ۱۹).....(۱۳۸۰ الف)، *جزیره سرگردانی*، چاپ سوم، تهران: خوارزمی.
- ۲۰).....(۱۳۸۰ ب)، *ساریان سرگردان*، چاپ اول، تهران: خوارزمی.
- ۲۱) گلشیری، هوشنگ (۱۳۷۶)، *جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور*، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- ۲۲) میرسپاسی، علی (۱۳۹۴)، *تأملی در مدرنیته ایرانی*، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
- ۲۳) میرصادقی، جمال (۱۳۸۶)، *ادبیات داستانی*، چاپ پنجم، تهران: سخن.

#### ب: مقاله‌ها

- ۱) نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶)، «*ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها*»، در پژوهش‌نامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸.
- ۲) واحدی، وحیده سادات و سیدرضایی، زری سادات (۱۳۹۵)، «*تحلیل گفتمان انتقادی داستان‌های جلال آل احمد و سیمین دانشور*»، مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳، صص ۲۲۳-۲۰۳.

#### منبع لاتین

- Kristeva, Julia. (1980). *desire in language. "A semiotic approach to literature and Art"*. Columbia university press.